

حاج خانم مایه افتخار ماست

فاطمه دهنوی در طول این گفت و گو بارها از همسرش یاد می کند که در این سال ها همراه و همدل او بوده است. عباسعلی دهنوی، پسر عمه فاطمه خانم و هم نام برادر شهیدش است. او که در روزگار دفاع مقدس هم رزم شهید عباسعلی دهنوی بوده است، به خاطر دارد که چگونه پسردایی اش او را دعوت به حضور در جبهه کرده بود و چطور در گردان تحت فرماندهی شهید عباسعلی برای دفاع از وطن می جنگید. آقا عباسعلی از دغدغه های اجتماعی همسرش این گونه یاد می کند: روحیه عجیبی دارد. یک وقت هایی می بیند همسایه ای، آشنایی مشکلی دارد، واقعا خواب و خوراک ندارد که کار بنده خدا انجام شود. او ادامه می دهد: خیلی وقت ها پیش آمده است که وارد خانه شده ام و خانه پر از وسایل و چیزیه بوده است. اصلا وضعیتی بوده است! چیزی نگفته ام و با خودم نیت کرده ام که چون برای رضای خداست، کل زندگی در اختیار ایشان باشد. یابیش آمده که وقتی جلسات خانگی برگزار کرده اند، دیرتر و زودتر آمده ام یا رفته ام که مزاحمشان نباشم. به خاطر نیت ایشان، خیر و برکت زیادی در زندگی ما جاری شده که همین برای ما پس است.



خالصانه و بی منت برای محله

حاج خانم دهنوی در مسیر کارهای خیر محلی، همسایه هایی دارد که به خوبی همراهی اش می کنند و او را به خوبی شناخته اند. فرشته بینا یکی از اهالی محله است که بیست سالی می شود همسایه فاطمه خانم است. او در توصیف خیررسانی خواهر شهیدان دهنوی به اهالی محله می گوید: اولین قدم خیری که حاج خانم دهنوی در این محله برداشت، آموزش قرآن و راه اندازی جلسات قرآنی بین بانوان بود. این جلسات که از پارکینگ منزل ما شروع شد و الان در مسجد و خانه حاج خانم برگزار می شود، همه جوره سبب خیر است. به گفته فرشته بینا این جلسات قرآنی مایه برکت برای محله است. او می گوید: همین دوره می قرآنی که حاج خانم شروع کرده اند باعث می شود کلی از مشکلات اهالی باگفت و گو و هم فکری و یاری یکدیگر برطرف شود.

دل همسایه ما دریاست

وقتی یکی دیگر از همسایه های فاطمه خانم قرار است درباره این بانو صحبت کند، این طور شروع می کند: حاج خانم مادر محله ماست. گل اندام محمدی می گوید: در این کوچه و خانه های دور و بر ما هر کسی در زندگی اش برای کاری لنگ بماند، در خانه حاج خانم رami زند. در این خانه به روی همه همسایه ها باز است و حاج خانم و حاج آقا باروی گشاده کار مردم راه می اندازند. همسایه بیست ساله فاطمه خانم درباره روی خوش او با بچه های می گوید: خیلی از جوانان دختر و پسر محله ما هستند که در جلسات خانه حاج خانم بزرگ شده اند. خانم دهنوی با این بچه ها رفتار مادرانه ای داشتند و دارند و همین باعث شده است که خیلی مورد احترام نسل جوان باشند. او سعی کرده است علاوه بر جریان خلأ های مادی، همسایه های نیازمند به تقویت روحی و روانی را هم کمک کند؛ چون دل خودش دریاست و روحیه ای قوی دارد.

۲۵ سال است آموزش قرآن را تعطیل نکرده ام

حاج خانم دهنوی در این سال ها درگیر کارهای خیر پرشماری شده است اما کاما کان رسالت اصلی خود را آموزش قرآن و تفسیر مفاهیم آن می داند. این بانو که تحصیلات مکتبی دارد، در این سال ها راه مادر و پدر بزرگش را ادامه داده است. او می گوید: پدر بزرگ مادری ام ملا بود. مادرم هم روضه می خواند و قرآن قرائت می کرد. من هم از همان سن کم، دل به قرآن دادم و الان بیست سال است که جلسات آموزش و تفسیر قرآن تعطیل نشده است. بر سر در خانه خانواده دهنوی تابلویی نصب شده است با عنوان «کانون فرهنگی تبلیغی آل یاسین» که نشان از فعالیت های فرهنگی و قرآنی پررنگ این بانو دارد. خودش می گوید: این تابلو را از خود سازمان تبلیغات اسلامی آموذ و نصب کردند، وگرنه ما سال هاست که بدون تابلو هم کاری را که وظیفه می دانیم، انجام می دهیم. او ادامه می دهد: همه این امور با قرآن معنی پیدا می کند؛ برای من و همسرم قرآن یک اصل است چون معتقدیم نشانه برکت در زندگی ماست.

حمایت از حریم خانواده در محله

در میان کارهای خیر پر شمار فاطمه دهنوی و هم محلی هایش، یک کار پررنگ تر است. آن ها صفر تا صد امور مربوط به ازدواج جوانان را پی می گیرند تا خوشبختی و سفید بختی را به دختران و پسرانی که در محله می شناسند، هدیه کنند. حاج خانم می گوید: در محله ما و خیلی از نقاط شهر، جوانان بسیاری هستند که شرایط ازدواج را ندارند اما به خاطر ترس یا اینکه اعتماد به نفس ندارند، اقدام نمی کنند. در این سال ها که در محله ایثارگران هستیم، با همراهی همسایه ها خیلی از جوانان و خانواده ها را برای کار خیر به یکدیگر معرفی کرده ام که خوشبختانه منجر به وصلت شده است و همه آن ها هم که می شناسیم، خوشبخت هستند. اهالی نیک اندیش این محله از معرفی عروس و داماد گرفته تا عقد و محضر و خیلی کارهای دیگر را پی می گیرند تا میاداد این میان کم و کسری باشد. اساسی ترین بخش کار هم که تهیه چیزیه است، با درایت فاطمه خانم و همراهانش پیش می رود. در همین روزی هم که ما مهمان خانه اش شده ایم، گوشه خانه اش پر است از وسایل نوچیزیه که برای زوج های جوان مهیا کرده است. او می گوید: بدون همراهی همسایه ها و همدلی همسرم این کارها شنی نیست. البته ما بعد از ازدواج هم هوای این عزیزان را داریم. در خانه، کلاس های سبک زندگی، مدیریت روابط زناشویی و یا تحکیم فضای خانواده برگزار می کنیم که حال و هوای خوب زندگی شان همیشه برقرار باشد و این طوری از حریم خانواده حمایت کنیم.

کار خیر زمین نمی ماند

وقتی از حاج خانم درباره تأمین هزینه ها و پای کار آوردن خیران می پرسیم، می گوید: کار خیر زمین نمی ماند! او ادامه می دهد: مهم ترین بخش کار جلب اعتماد است. خدا را شکر به واسطه سال های طولانی فعالیتیم در محله، من رامی شناسند و به همین دلیل هم خیران و نیکوکاران اعتماد می کنند. از همه مهم تر، خداوند در این میان همه چیز را کنار هم می چیند. حالا خودش هم به ما آبرویی داده است که رابط این امور باشیم. خواهر شهیدان دهنوی ادامه می دهد: پیش آمده برای هزینه و واسطه یک کار انسانی چند روز و چند هفته ای معطل شویم اما بالاخره انجام شده است؛ چون آن کسی که مشکلی دارد، خدایی هم دارد و ما واسطه هستیم تا کار آن بنده خدا انجام شود. این بانوی نیک اندیش و پای کار محله درباره شناسایی مددجویان محلی می گوید: آن ها که در این محله هستند و نیازی دارند، نشانی این خانه را بلدند. بعد از اینکه مراجعه می کنند یا کسی معرفی می کند، اگر شناخت داشته باشیم، کار را انجام می دهیم و اگر نتوانیم، بررسی و پرس و جوی محلی می کنیم. اگر واقعا نیازمند باشد، پیگیری می کنیم که کارش انجام شود.

آبرو و اعتبار کار خیر، ما را پس!

دست حاج خانم در این سال ها به امور خیر متفاوتی باز شده است. به قول یکی از همسایه هایش سرش درد می کند که بیفتد دنبال کار این وان! اما خودش وقتی قرار است از اهداف زندگی دنیوی و نیاتش بگوید، جور دیگری به قضیه نگاه می کند. مادر محله ایثارگران می گوید: خداوند به من شش فرزند داده است. در زندگی شان کم و کسر هست اما آبرو مند زندگی می کنند. چه چیزی بهتر از این می خواستیم؟ برکت هم که تادلتان بخواهد در زندگی ما دیده می شود. با حقوق بازنشستگی همسرم زندگی می کنیم و خدا را شکر در محله آبرو و اعتباری داریم که همین برای ما پس است. او با تأملی کوتاه ادامه می دهد: خدا کند که توانسته باشم ذره ای شبیه برادران شهیدم عمل کرده باشم. در نگاه حاج خانم همه امور خیر و دستگیری از اهالی محله به یک اندازه مهم است. اما خودش معتقد است یاری رساندن به افرادی که در بستر بیماری هستند، یا برای امور درمانی و دارویی نیاز به کمک دارند، حال بهتری نصیب انسان می کند و دعای آن فرد در حق بانی کار کاملاً در زندگی حس می شود.